

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

حکومت سرمایه داران و زمینداران بزرگ تملک وسایل را بکار انداخته تا بهره کشان آخرین قطره های خون کارگران و زحمتکشان را بکشد و بر سود های کلانی که از راه استثمار بدست میآورند باز هم بیفزاید. شاه، نخست وزیر، وزارت کار، ساواک و دستگاههای تبلیغاتی رژیم، شانه بشانه کارفرمایان ستمگر، زیرشمار «مبارزه با کم کاری» از چندی پیش هجوم تازه ای را علیه زحمتکشان آغاز کرده اند. تابع کردن مزد و

## کارگران، زحمتکشان، با اتحاد و مبارزه از حقوق خود دفاع کنید!

سود ویژه، به بهره وری کار، تجدید نظر در قوانین کار بسود کارفرمایان، تشکیل کمیسیون شاهنشاهی برای نظارت بر امر تولید، تدوین آئین نامه انضباطی علیه کارگران، باز گذاردن دست کار فرمایان برای مجازات کارگران تا حد اخراج، تنظیم شناسنامه کار، سرکوب بیرحمانه اعتصاب های حق طلبانه و سلامت آمیز کارگران بدست مأموران ساواک، اختصاص برنامه کارگران رادیو تهران به تبلیغ برای بالا بردن بهره دهی کار، حتی تفسیر های متقلبانه دنباله در صفحه ۲

## فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران ای آزادی زندانیان سیاسی متحدا مبارزه کنیم!

وجود دارد. کفایت بتوان نمونه از برخی نمایندگان برجسته سازمانها و گروهها و بعضی شخصیتهای مخالف رژیم، که اکنون در زندان بسر میبرند، نام ببریم: اعضاء حزب توده ایران مانند: صفر قهرمانی، ابوتراب یاقرزاده، عباس جبری، محمد اسمعیل ذوالقدر، رضا شاموکی، محمد علی عموشی، تقی کی مشی، علی خاوری، صابر محمدزاده و آصف زردبنده، از روحانیان آیت الله طالقانی، از هنرمندان و نویسندگان رحمانی نژاد، محسن یلفانی، سعید سافلیپور، علی اشرف درویشیان، از هواداران مشی چریکی بک تژاد و کاخساز، از جبهه ملی ایران دکتر عباس شیبانی. چنانکه معلوم است همه این مبارزان، با وجود گرایشهای گوناگون و گاه متضاد سیاسی و ایدئولوژیک یک «جرم» مشترک دارند و یک سرنوشت مشترک، یعنی مخالف رژیم دیکتاتوری شاهند و در زندانهای شاه در کنار هم نشسته اند. لذا سازمانها و گروههای مخالف رژیم که اعضاء و هواداران آنها در زندان بسر میبرند، برای آزادی زندانیان سیاسی، می توانند و باید وحدت عمل داشته باشند تا تمام نیروها همبستگی و متعزز گردند. همه امکانات و ابتکارات مورد استفاده قرار گیرد و بدینسان نتیجه این مبارزه که بسود همه است، چشمگیرتر شود.

مومنان! سازمانها، گروهها و نیروهای حزب دیکتاتوری شاه! شما مداوم افکار عمومی مردم ایران و جهان پیگیری سازمانها، گروهها و نیروهای مخالف لتائوری شاه، سرانجام رژیم را مجبور ساخت که از زندانهای خود را باز کند و معدودی از سیاسی را آزاد نماید. این موفقیت نشانه آن است، با مبارزه متحد، مداوم و پیگیر، حتی رژیم متناقض را نیز میتوان به عقب نشینی واداشت. لی در برابر این اجبار به عقب نشینی، رژیم از یکسو آزادی معدودی از زندانیان سیاسی ای از «دمکرات»، بوفن خود جلوه دهد و از هر مسئله زندانیان سیاسی را «پایان یافته» و شن است که این تلاش رژیم در تضاد آشکار است، زیرا هنوز هزاران نفر از میهن پرستان زندانها بسر میبرند، هنوز صلحا نفر که دوران شان پایان رسیده آزاد نشده اند، هنوز تقیها و خلاف قانون، داد گاههای نظامی غیرقانونی بیلهای ناعادلانه رائج و بساط شکنجه و اعدام، در یک کلمه در میهن ما رژیم ترور و مجتاز حاکم است.

م و واقعیت عقب نشینی رژیم در آزاد کردن از زندانیان سیاسی و هم واقعیت ادامه رژیم متناقض، ما را فقط بیک نتیجه میرساند و آن میباید مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را داد و پیروزی برای این مبارزه را متحد ساخت.

لی متأسفانه با صراحت باید گفت که وضع سینه رضایت بخش نیست، زیرا با اینکه گونا گونی از جاذب سازمانها، گروهها و ی مخالف رژیم در زمینه مبارزه برای آزادی سیاسی صورت میگیرد و با اینکه این اقدامات بت معنی هم داشته و دارد، ولی بملت تفرقه گروهها و نیروهای مخالف رژیم و پراکندهگی آنها، نتیجه این مبارزه آینه تکاننده باید نیست. در حالیکه برای وحدت عمل در زمینه ای آزادی زندانیان سیاسی پایه عینی و واقعی

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
خرداد ماه ۱۳۵۶

## تظاهرات همبستگی در ایتالیا بمناسبت روز زندانیان سیاسی ایران

نوزدهمین سالگرد شهادت خسرو روزبه عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی ایران طی مراسمی با حضور رفیق لوتیچی لونگو صدر حزب کمونیست ایتالیا و شهردار شهر رومانوفیانو که مجسمه «بیاد خسرو روزبه» در میدان بزرگ این شهر نصب شده است. با حضور نمایندگان احزاب دموکراتیک و دانشجویان ایرانی برگزار شد.

از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران، شهرداری شهر رومانوفیانو، سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران دسته های گلی پای تندیس «بیاد خسرو روزبه» گذارده شد. باین مناسبت، شهردار شهر رومانوفیانو و نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران سخنرانیهای ایراد کردند. رفیق لونگو نیز ضمن ادای کلمات گرمی، همبستگی خود و حزب کمونیست ایتالیا را با مبارزه مردم ایران و حزب توده ایران اعلام داشت.

دنباله در صفحه ۲

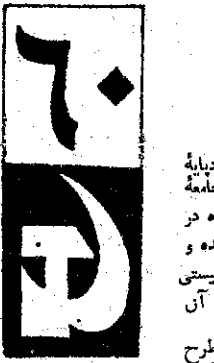
## تلگراف شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به رفیق لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی



رفیق عزیز!  
کمیته مرکزی حزب توده ایران انتخاب شما را به عالی ترین مقام دولتی، صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، صمیمانه شاد باش میگوید. انتخاب شما بمقام شخصیت اول دولت شوروی نشانه دیگری از محبت بنیابان و اعتماد فراوان ملل اتحاد شوروی به شخص شما بعنوان رجل برجسته حزبی و دولتی طراز نشینی است. بدون شک این انتخاب شایسته، رفاه و پیروزیهای بیشتری را نصیب ملل و دولت شوروی میسازد و نتایج ثمربخشی برای صلح جهانی و پیروزی مبارزات آزادی - ملی خلقها در تمام جهان بهمراه خواهد داشت.

رفیق عزیز! بهترین آرزو هلی ما را بخاطر حفظ سلامت و کسب پیروزی های نوین در اجراء وظایف خطیری که حزب کمونیست و ملل اتحاد شوروی به شما واگذار کرده اند، بپنایرید. با سلامهای گرم برارانه  
کمیته مرکزی حزب توده ایران  
دبیر اول - ایرج اسکندری

## طرح قانون اساسی جدید اتحاد شوروی پیروزی تاریخی در راه ساختمان کمونیسم



چهارم ماه ژوئن طرح قانون اساسی جدید اتحاد شوروی بمنظور بحث و بررسی همگانی مردم شوروی در مطبوعات اتحاد شوروی انتشار یافت. انتشار طرح قانون اساسی جدید اتحاد شوروی در آستانه برگزاری شصتمین سالگرد پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر، یک رویداد تاریخی و حائز اهمیت جهانی است.

طرح جدید پس از تصویب چهارمین قانون اساسی کشور شوروا پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر خواهد بود. قوانین اساسی اتحاد شوروی بیاترگر مراحل گوناگون رشد و تکامل نظام سوسیالیستی و تثبیت قانونی و حقوقی دستاورد های خلقهای اتحاد شوروی در ساختمان جامعه سوسیالیستی و کمونیستی هستند.

نخستین قانون اساسی جمهوری شوروی سوسیالیستی فراتر از روسیه که در سال ۱۹۱۸ بتصویب رسید نتایج پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر را بصورت قانونی تثبیت کرد و سرشت طبقاتی دولت شوروی را بنحایه دولت دیکتاتوری پرولتاریا مشخص ساخت.

دستاوردهاییکه در ایجاد پایه های - فنی ساختمان جامعه کمونیستی حاصل شده در آن منعکس گردیده و توسعه مکرر سوسیالیستی در جامعه شوروی در آن بازتاب یافته است. در پیشگفتار طرح قانون اساسی جدید تأکید شده است که: هدف عمده تولید اجتماعی در جامعه سوسیالیستی برخلاف تولید سرمایه داری که هدفش بدست آوردن سود برای سرمایه داران است، رفیع هرچه بیشتر و کاملترین منافعهای مادی و معنوی قزاینده افراد جامعه است.

دنباله در صفحه ۲

## کنفرانس علمی باکو انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر و جنبش خش خلقهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین

در دهه آخر ماه مه ۱۹۷۷ در شهر باکو بنابه تبرک کمیته علمی باخلاقهای آسیا، آفریقا و لاتین و آکادمی علوم جمهوری سوسیالیستی ذریابجان کنفرانس بین المللی برای بررسی علمی تاثیر انقلاب کبیر اکبر در گسترش جنبشهای ش ملی در سه قاره تشکیل گردید.

انتخاب شهر باکو برای برگزاری این کنفرانس سیل شایسته و بیابود، زیرا در همین شهر که ن در دهه های نیرومند جنبش انقلابی پرولتاریایی قبل از انقلاب اکبر بود، برای اولین بار پیروزی انقلاب اکبر در سال ۱۹۲۰ به ابتکار ین کنگره ملل شرق تشکیل گردید و این که نمایندگان بیش از ۴۰ کشور و از آنجمله ان خلقهای ایران در آن شرکت داشتند، همه بحورم جهان را فراخواند تا مبارزه خود را علیه سوسیالیستی گسترش دهند.

دنباله در صفحه ۲

نامه رسیده

### یگانه راه!

میخواهم برایتان از مرگ عزیز پیوسته که شاگردانش او را خیلی دوست داشتند، از کسی که ملت ایران باید در مرگش سوگواری باشد، چرا که او یکی از هزاران آدم سزنده ای بود که رژیم مغزور شاه زندگی را از او گرفت.

او معلمی دلسوز بود و پلری واهنا. چهل سال از ۵۸ سال عمر خود را تدریس کرد، وی سالها در ایران راه سوخت. در شهریور ۱۳۵۵ بود که خبر تیز باران محمد صفری لشکروزی فرزند غلامحسین صفری لشکروزی در روزنامه ها منتشر شد. شاهد خیاثتکار هر روز دستور کشتن جوانهای ما را میداد و با این کار خانواده ها را داغدار میکند و پدری را از زندگی بیزار. چرا که عزیز ترین کس در دنیا برای پدر فرزند او است و از دست دادن فرزند غمی جانکاه. با اینحال پدر پس از شهادت پسرش باز هم کار تدریس را دنبال میکرد. اما دیگر صفری، آن صفری گذشته بود که هر کلاس درس همیشه لبخند بر لب داشت، شاگردانش را برای حل مسئله ای به جنب و جوش میانداخت، و اگر دانش آموزی در حل مسئله موفق نمیشد، با لبخند پدرانه ای خودش بجل آبی میریخت. با اینکه رشته تدریسش با فرمولهای خشک ریاضی بود و کار داشت، ولی کلاش از گرمترین کلاسها بود. اما حالا صفری چرا چنین شده؟ شاگردانش در گوش هم زمزمه میکردند: پرده ای اشک چشمان صفری را پوشانده بود. هاله ای از غم گرد سرش بود، کلاش آن روح سابق را نداشت، لبخندی که به شاگردانش امید میداد، دیگر بر لبانش نبود، پیوسته در مبارزه با غم بود که تمام تاز و پود وجودش را میخورد. صفری مرده بود، او در واقع همان روزی مرد که پسرش تیرباران شد.

روز ۳۰ اردیبهشت خبر مرگ غلامحسین صفری معلم هننده و مثلثات به شاگردان و همکارانش رسید و آنها را عزا دار کرد. همه گریه میکردند. کوچک و بزرگ، همه کسانی که سالها با او بودند و صفری در قلبشان برای او گدایی باز کرده بود. هیچکس خبر را باور نمیکرد. شاگردانش اشک ریزان بغضتر مدرسه هجوم برده و از علت مرگ او جویا میشدند. مدرسه بهیچ ریخته بود. کارکنان مدرسه بچه ها را آرام میکردند. در حالی که سیل اشک از چشمانشان جاری بود. یکی امید میداد، دیگری با اشکش میفهماند که دیگر نباید منتظر صفری بود. روز بعد مدرسه سیاه پوش شد.

۱۱ اردیبهشت شاگردانش مجلس یادبود او را برپا کردند و صادقانه در ماتم او نشستند. اما این مرگها پایان و این غمها تمامی ندارد، مگر همه متحد شویم و بساط دیکتاتوری شاه را واژگون سازیم. بیخیزیم، متحد و استوار! صادقانه گام گذاریم در راهی که یگانه راه است؛ اتحاد برای برانداختن دیکتاتوری مغزور شاه!

### تظاهرات همبستگی با ایران در ایتالیا

قبلا بایتمناست شهر دار و مانو فینانو پیمانی دائر به همبستگی با مردم ایران فرستاده بود که ضمن آن گفته میشد: «بماندگی از طرف احیاسات دموکراتیک شهر، دولت ضد خلقی شاه را که هر گونه آزادی را سرکوب کرده است، قاطعانه محکوم میکنیم.» سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران نیز بمانندت روز ۲۱ اردیبهشت روز زندانیان سیاسی ایران، هزار اعلامیه در شهر هلی رم، پروجو، تورینو، فلورانس، پادوا و ونیز نصب و پلاکتهای بسیاری در این شهرها بر دیوارها نصب کردند.

روزنامه داومانیته، ارگان مرکزی حزب کمونیست ایتالیا روز ۱۱ ماه مه بایتمناست نوشت: «دومروز روز همبستگی با زندانیان سیاسی ایران اعلام شده است. بایتمناست پیمانی دائر درخواست آزادی میهن پرستان ایرانی با امضاء عده زیادی از شخصیت های سیاسی و اجتماعی و هنری ایتالیا انتشار یافته که در آن اسامی زیر به چشم میخورد:

لویجی اونگو، صدر حزب کمونیست ایتالیا، زهران برجسته حزب کمونیست، جان کارولوپینا، جورجو آمنولا، جرادو کیارومنته، آلبرتو تولا، اماونگلا مالوزو، صدر اتحادیه ملی پارتیزانهای ایتالیا، اریگو پولدزینی، شهردار رم، جولیو کارلوارگان -

### کارگران زحمتکشان

از آیات قرآن و اخبار بوسيله پاره ای از گویندگان خود فروخته برنامه مذهبی دائر بر اینکه سعی و کوشش در کار فرمان الهی است (ایس للانسان الا ماسی) همه و همه وسائلی هستند که برای کشتن آخرین رمق زحمتکشان و جلوگیری از هرگونه جنبش حق طلبانه آنها بکار گرفته شده اند.

حکومت کارگر کش ایران اینک بی پرده زیر عنوان «مبارزه با کم کاری» علیه طبقه کارگر بسود بهره کشان بمبارزه پرداخته است.

کم کاری، ادعای بیشرمانه ایست که رژیم و کارفرمایان و دستگاههای تبلیغاتی آنها برای توجیه اقدامات ضد کارگری خود عنوان کرده اند. دروغ بودن این ادعا را کارگاهی دلگشا، ماشینیهای آخرین سیستم، میبایردها ریال سود هلی کلان که صرف عیاشی و سفرهای تفریحی بلاروپا و امریکا میشود، ذخیره های روز افزون بانکی در داخل و خارج کشور و افزایش میلیونر هائی که مانند قارچ میروند ثابت میکند. این پولها از کجا آمده و چگونه کارفرمایان و مفتخواران ایران در زمانی کوتاه باین ثروتهاى سرشار رسیده اند؟ از کم کاری زحمتکشان یا از بهره کشی بیصواب از کارگران و زحمتکشان؟ این «سود ویژه» که دولت با یوق و کرنا بعنوان «مراحم ملوکانه» نسبت به کارگران از آن دم میزند و آنرا در مواردی برابر سه ماه حقوق یک کارگر ب حساب میآورد چیست؟ مگر نه جزء بسیار بسیار کوچکی از سود کلانی است که کارفرمایان میبرند و در پایان سال چون قطره ای از دریا پس از هزاران تقلب و تزویر در محاسبات و تازه آنها با بهره کشی کامل از نیروی کار، بکارگران میپردازند؟ اگر سودی نیست پس «سود ویژه» چیست؟ البته سود هست و خیلی هم هست، ولی در یک طمع کار فرمایان پر شدنی نیست. آنها میخواهند که کارگران مانند دوران بردگی به بخور و نمیزی بسازند و تاجان دارند کار کنند و صدایشان هم در نیاید.

حکومت ایران مدعی است که در آمد سرانه مردم به دوهزار دلار برسان رسیده و سطح زندگی چشم وار بالا رفته و از این ادعا باین نتیجه ناتراست میرسد که گویا زحمتکشان ایران که در رفاه و آسایش بسر میبرند (!) کم کاری میکنند و باید تلاش بیشتری برای بالا بردن بهره دهی کار بعمل آورند. از روی یک محاسبه ساده میتوان پی برد که این ادعا تاجه اندازه یوج و دروغ است. دولت حد اقل دستمزد یک کارگر را هیچده تومان در روز تعیین کرده، ما آنرا بیست تومان بحساب میآوریم. باین حساب فر آمد یک خانواده کارگری با حد متوسط پنج سر عائله ششصد تومان در ماه و هفتهاز و دوست تومان در سال خواهد بود. ما این رقم را ده هزار تومان میگیریم وقتی این مبلغ را به پنج سر عائله بخش کنیم بهر یک در هزار تومان در سال یا دوست و هشتاد دلار میرسد، یعنی هزار و هفتصد و بیست دلار کمتر از درآمد سرانه ای که دولت مدعی است! حالا این سؤال مطرح میشود که پس این پولها که بحساب سرانه مردم گذاشته شده بکجا میرود؟ این پولها صرف خرید اسلحه، صرف نگهداری یک ارتش نیم میلیونی، صرف ساختن پایگاههای نظامی هوایی و دریایی، صرف حقوقهای گزاف کار شناسان نظامی امریکائی، صرف زنده بقی کلان تیرباران، تیمساران و مقامات عالی رتبه دستگاههای اداری، صرف غارتگری سرمایه های خارجی، صرف نجات سرمایه داران بصران زده امپریالیستی، صرف عیاشی جلاخان ساواک و گسترش شبکه های جاسوسی، صرف انباشتن جیب های کارفرمایان و متامله کاران داخلی و خارجی و نظائر آنها میشود. آنچه از این غارتگریها، اتلافها، حاتم بخشها و روشن بگوئیم خیانتها برزندگی روزانه کارگران و زحمتکشان عاید میشود، صرف نظر از همه چیز، بملت فراوانی پول در دست کسانیکه خود هیچ چیز تولید نمیکنند، تورم، بالا رفتن هزینه زندگی و پائین آمدن قدرت خرید زحمتکشان است. این واقعیت را طبقه کارگر

استاندار رم، مائوریسو فرارا، نقاش معروف و دارنده مدال صلح لنینی، رناتو کوتوزو، نقاش مشهور و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست، ارستو ترانی، منما بهمن مناست از جانب عده ای از شهرداران ایتالیا تلگرافهای مبنی برخواست آزادی سیاسی ایران مخابره شد. شهرداران شهرهای: لیورنو، پستویا، گروسو، کارارا، چه زنا، بورجولا، رجومیلیا، پیترو سانتا، این تلگرافها را امضاء کرده بودند.

### طرح قانون اساسی جدید اتحاد شوروی

سطح آموزش تخصصی و آگاهی سیاسی طبقه کارگر، دهقانان کلتوری اعتلا یافته، نشر روشنفکران جامعه به روشنفکران اصیل خلقی سوسیالیستی تبدیل شده اند. برابری خلقها در اتحاد شوروی نه تنها از لحاظ حقوقی و قانونی، بلکه علاقا از لحاظ سطح اقتصادی و فرهنگی تحقق یافته است. با ایجاد جامعه سوسیالیستی رشد یافته همه لایه های جامعه شوروی در مواضع اندیشه ای و سیاسی طبقه کارگر قرار گرفته اند. بدین ترتیب حاکمیت کشور نیز که به شکل دولت دیکتاتوری پرولتاریا استقرار یافت، در این مرحله رشد تاریخی به دولت همگانی خلق تکامل می یابد.

شرایط بین المللی اتحاد شوروی طی چهل سالگی که از تصویب سومین قانون اساسی (سال ۱۹۳۶) میگردد، عمقاتیبر یافته و در منظره سیاسی و اجتماعی جهان تحولات ژرفی روی داده است. به محاصره اتحاد شوروی که یگانه کشور سوسیالیستی در حلقه جهان سرمایه داری بود پایان داده شد و سوسیالیسم به سیستم جهانی تبدیل گردید و جامعه مقرر کشورهای سوسیالیستی پدید آمد. مواضع سرمایه داری جهانی بطور ماهوی و بمقیاس بین المللی تضعیف گردید، بجای مستعمرات پیشین دهها کشور نو استقلال ملی تشکیل یافت. در نتیجه این عوامل تناسب نیرو در عرصه جهانی بفع سوسیالیسم دگرگون شده است.

در فصل چهارم قانون اساسی جدید زیر عنوان سیاست خارجی تصریح شده است: دولت اتحاد شوروی سیاست لینی صلیح را بطور پیگیر اجرا میکند، طرفدار استحکام مبنای اتحاد خلقها و همکاری و سیع بین المللی است. سیاست خارجی اتحاد شوروی در جهت تأمین شرایط مساعد برای ساختمان کمونیسم در اتحاد شوروی، استحکام مواضع سوسیالیسم جهانی، پشتیبانی از مبارزه خلقها ب خاطر آزادی ملی و ترقیات اجتماعی، جلوگیری از جنگهای تجاوز کارانه است.

در فصل هفتم طرح جدید حقوق اساسی و آزادیهای دموکراتیک و وظایف افراد جامعه تصریح شده است. در این فصل تصریح شده است که اتباع اتحاد شوروی بموجب قانون، شرح کار، استراحت، آموزش رایگان در تمام مدارج تحصیلی، استفاده از خدمات بهداشتی و پزشکی رایگان، تأمین مسکن، حقوق بازنشستگی، دارا میباشند.

یکی از بزرگترین دستاوردهای تاریخی جامعه شوروی که در طرح قانون اساسی جدید تصریح گردیده عبارت از آنست که مجموعه تحولات عظیم اقتصادی و اجتماعی و سیاسی موجب رشد و تکامل همگونی سیاسی و اجتماعی جامعه شوروی گردیدند. در نتیجه اتحاد خلق ناپذیر طبقه کارگر و دهقانان کلتوری و روشنفکران خلقی استحکام بیشتری یافته و تفاوتها میان گروههای عمده اجتماعی بترجیح از میان میروند. همه ملتها و خلقهای اتحاد شوروی با روند زندگی سوسیالیستی بیش از پیش بیکدیگر نزدیک شده و همگون میشوند و جامعه شوروی مرکب از انسانهایی با اشتراك منافع تاریخی نوین بشکل خلق واحد شوروی شکل و تکوین میپذیرد.

رفیق برزنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در گزارش خود پیرامون طرح قانون اساسی جدید در پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی متذکر شد: « کامیابهای سوسیالیسم که در مواد این قانون منعکس شده برای خلقهای کشور هائیکه راه رشد سوسیالیستی را بر گزیده اند نمونه الهام بخشی است. این کامیابها در توده های زحمتکش کشور های سرمایه داری در مبارزه در راه حقوق خود و رهایی از ستم استثمار سرمایه داری اعتقاد و ایمان بیشتری ایجاد میکند. رفیق برزنف خاطر نشان کرد: « ما در مقابل تبلیغات بورژوازی و

زحمتکشان ما با گوشه و پوست خود لمس میکنند و به این دلیل است که با وجود خطر مرگ، زندان و بیکار شدن دست بانصباب میزنند و از حقوق خود دفاع مینمایند. تجربه آنها آموخته و بازم می آموزد که نباید کوچکترین انتظاری از شاه و دستگاه دولتی و کارفرمایان سود جو داشت. مبارزات دلیرانه و حق طلبانه طبقه کارگر ما که دارای سنت مبارزه طولانی بویژه زیر رهبری سندیکائی شورائی متحد و مرکزی و رهبری سیاسی حزب توده ایران است، آگاهانه تر و سازمان یافته تر میشود. برای جلوگیری از این مبارزات و ارضای هر چه بیشتر آزمندی و طمع ورزی سرمایه داران و زمینداران بزرگ است که رژیم

### کنفرانس علمی باکو

۷۰ کشور جهان شرکت جستند. در میان کنار نمایندگان کشور میزبان، نمایندگان سوسیالیستی اروپا و آسیا، هیئت های نمایندگان خلق هائی که زنجیرهای اسارت امپریالیستی دریده و راه تکامل آزاد را در پیش گرفته اند، خلق هائی که هم اکنون در مبارزه علیه امپریالیسم گریه هستند و همچنین نمایندگان برخی از کمونیستی کشورهای سرمایه داری غرب دنده کنفرانس در همان آغاز کار خود بیا رفیق برزنف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد را با شور فراوانی استقبال کرد.

گزارش اصلی کنفرانس بوسيله رفیق عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست اتحاد، دبیر اول حزب کمونیست آذربایجان ایراد کرد. در این گزارش با روشنی چشمگیری، میشد که در دوران ۶۰ ساله پس از انقلاب زیر تأثیر جهانگیر این عظیمترین تحول انقلابی بشر چه دگر گوئیهای شگرفی در سراسر جهان پیوسته است. جهانی که در دوران بر گزار، بیست و یک ساله ملل شرق تقریباً تماماً را لاشخورها، لیستی بین خود تقسیم کرده و حاکمیت شوم غا و جنایت بلارانه خود را بر آن مستقر ساخته و سخنرانیهای پر شور نمایندگان کشورهای و جنبشهای رهایی بخش ملی و از انجما ویتنام، آنکولا، موزامبیک، گینه، خلقها و سیاه، مبارزان شیای، برزیل، جنوب افریقا، و نامبیا، و دهها نمایندگان دیگر سمفونی پرده که از سوی خلقهای آزاد شده و در حال نبرد، میشد. این سرود آزادی صادقانه و پرسپاس از بود از تأثیر تاریخی انقلاب کبیر سوسیالیستی از پشتیبانی بی دریغ و پیگیری کشور اتحاد ش جنبش های آزادیبخش ملی در همه مراحل تکام از روز نخست پیدایش اولین نقطه های انقلابی و پس از پیروزی، در دوران ساختمان پایه ها و بدلی جامعه نوین سوسیالیستی.

برای همه کسانی که در این کنفرانس داشتند بطور چشمگیر این واقعیت جلوه میکرد سیاست صلح اتحاد شوروی، سیاست تحمیل به مسالمت آمیز به کشورهای امپریالیستی، سیاست نند در مناسبات بین کشورها امکانات بظهور جدید رشد و پیشرفت جنبشهای آزادیبخش ملی بوجود است. در لایحی همه بر آمدهای کنفرانس این نمایان میشد که تا چه حد پیشرفت سیاست صلح شوروی - که خود محصول تغییر محسوس نیروها در میدان سیاست جهانی است - در تنگ میدان عمل نیروهای متجاوز امپریالیستی و در گشایش راههای تازه و امکانات نو برای پیروزی های رهایی بخش ملی مؤثر بوده و میباشد.

در این کنفرانس بطور روشنی این واقعیت دیگر در برابر چشم شرکت کنندگان نمایان شد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر، دوران دگرگونی که نه آغاز گردیده و علیرغم همه تلاشهای در حال امپریالیسم، مارش تاریخی آزادی خلقهای محروم روز افزون به پیش میروند و دیگر هیچ نیروی هر جنایت بارناشد، توانائی آنرا ندارد که این تحول عقب برگرداند.

روزیونیستی از تعبیر نادرست و تحریف شده، دمکراسی و حقوق بشر، یک مجموعه کامل و واقف و آزادیهای دموکراتیک افراد جامعه سوسیالیستی، میبندیم. ما با تدوین این قانون اساسی، دستاور واقعی دوران ساز زحمتکشان را که به برکت حاکم طبقه کارگر زیر رهبری حزب کمونیست شده اند، در کفه ترازوی تاریخ قرار میدهم. ق. برزوف

زیر شعار «مبارزه با کم کاری، فاش و برملا به کارگران آمده و هجوم تازه خود را آغاز کرده برای در هم شکستن این حمله و هجوم تنها با آزموده شده وجود دارد و آن اتحاد و مبارزه کارگر در راه دفاع از حقوق صنفی و اجتماعی است. حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر این توطئه تازه ضد کارگری را فاش می کارگران و زحمتکشان را بمبارزه آگاهانه و متحد دفاع از حقوق خود فرا میخواند. تنها ضمانت بی شائبه اتحاد و مبارزه شماست. ا. گویا